



دانشگاه مذاهب اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش:

فقه مقارن و حقوق عمومی

عنوان:

حقوق آیندگان نسبت به اموال عمومی از منظر قواعد فقه اسلامی

استاد راهنما:

دکتر مهدی رهبر

استاد مشاور:

دکتر محمود ویسی

نگارش:

زهرا آصفری

بهمن ۱۳۹۸





دانشگاه مذاهب اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش:

فقه مقارن و حقوق عمومی

عنوان:

حقوق آیندگان نسبت به اموال عمومی از منظر قواعد فقه اسلامی

استاد راهنما:

دکتر مهدی رهبر

استاد مشاور:

دکتر محمود ویسی

نگارش:

زهرا آصفری

بهمن ۱۳۹۸

بسمه تعالی

دانشگاه مذاهب اسلامی


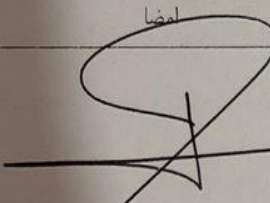
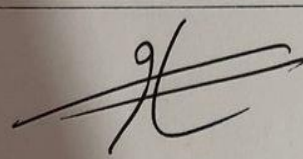



تعهدنامه اصالت پایان نامه / رساله

اینجانب زهرا آصفری دانشجوی رشته فقه مقارن و حقوق عمومی مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه/ رساله تحصیلی خود، با عنوان حقوق آیندگان نسبت به اموال عمومی از منظر قواعد فقه اسلامی را تأیید کرده، اعلام می‌نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی و خارجی نبوده و هر گونه بهره‌گیری از منابع، درپاورقی و منابع و ماخذ بیان گردیده است. تعهد می‌نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد آن در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت‌ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو زهرا آصفری

امضاء و تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

| | | | |
|--|---------------------------------|--|------------------------------------|
| صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد | |  دانشگاه آزاد اسلامی | |
| نام و نام خانوادگی دانش‌آموخته: زهرا آصفری | تاریخ: ۱۴/۱۱/۱۳۹۸ | | |
| شماره دانشجویی: ۹۴۱۱۴۳۱۱۰۱ | شماره ملی: | | |
| عنوان: « حقوق آیندگان نسبت به اموال عمومی از منظر قواعد فقه مذاهب اسلامی » | | | |
| رشته تحصیلی: فقه مقارن و حقوق عمومی اسلامی | گرایش: | | |
| هیئت داوران پس از شنیدن گزارش، دفاعیه دانشجو و نحوه پاسخ به پرسش‌ها، درجه و نمره نهایی آنرا به شرح ذیل اعلام کرد: | | | |
| پایان نامه مورد قبول می‌باشد. <input type="checkbox"/> پایان نامه با اصلاحات مورد قبول می‌باشد. <input type="checkbox"/> پایان نامه مورد قبول نمی‌باشد. <input type="checkbox"/> | | | |
| نمره نهایی پایان نامه: | به عدد ۹ | به حروف ۱۸۱۷۵ | |
| درجه پایان نامه: | | | |
| امضا | مرتبه علمی | نام و نام خانوادگی | سمت |
| | دانشیار | مهدی رهبر | وایستگی سازمانی (پژوهشگاه/دانشگاه) |
|  | استاد | دانشگاه مذاهب اسلامی | راهنما |
| | | محمود ویسی | دانشگاه مذاهب اسلامی |
|  | استادیار | افتخار دانش پور | استاد داور |
| | استادیار | دانشگاه مذاهب اسلامی | |
|  | سمت | نام و نام خانوادگی | تأیید ناظر |
| | کارشناس مسئول تحصیلات تکمیلی | مسعود بهرامیان | مؤسسه |

سپاسگزاری

بر خود وظیفه می دانم سپاسگزاری نمایم از تلاش و راهنمایی های استاد راهنمای گرامی جناب آقای دکتر مهدی رهبر، و استاد مشاور گرامی جناب آقای دکتر محمود ویسی و تمامی اساتیدی که از دانش آنها بهره ها بردم و مرا رهین منت خود قرار دادند.

از خداوند متعال توفیق جبران این زحمات را خواهانم.

چکیده

اموال عمومی ثروت ملی یک کشور محسوب می‌شود و به تمامی نسل‌ها تعلق دارند و مالک خاصی ندارند. این اموال تنها تعلق به نسل حاضر ندارند. بلکه نسل‌های آینده نیز استحقاق بهره برداری از آنها را دارند. لذا در تصرف این اموال حقوق آیندگان باید در نظر گرفته شود. اطلاق ادله تسخیر طبیعت برای انسان ثابت می‌کند که همه در این مواهب مشترکند و ادله مربوط به لزوم عدالت و اجتناب از اکل مال به باطل ثابت می‌کند که انسان‌ها بدون قید و شرط نمی‌توانند از این اموال استفاده کنند و لازم است رعایت حقوق همه افراد بشود. در این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و نرم افزارهای مرتبط انجام می‌شود درصدد تبیین قواعد فقهی مرتبط با حقوق آیندگان نسبت به اموال عمومی هستیم. قواعدی مانند قاعده لاضرر، لاجرح، انصاف و عدالت این معنا را تأیید می‌کنند که در مصرف اموال عمومی باید حقوق آیندگان حفظ و مراعات شود و حاکم اسلامی با الزامات قانونی لازم است بر نحوه استفاده از اموال عمومی نظارت داشته و با حفظ حقوق همگان تصرفات در اموال عمومی را تنظیم و هدایت کند.

کلید واژه‌ها: اموال عمومی، قاعده فقهی، حق، تکلیف، نسل آینده.

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۱ | مقدمه |
| ۲ | الف) بیان مسأله |
| ۳ | ب) اهمیت و ضرورت تحقیق |
| ۳ | ج) پیشینه تحقیق |
| ۳ | د) سوالات تحقیق |
| ۳ | ه) فرضیات تحقیق |
| ۴ | و) روش تحقیق |
| ۴ | ز) سازماندهی تحقیق |
| ۵ | فصل اول |
| ۵ | کلیات و تبیین مفاهیم |
| ۶ | ۱-۱-حق |
| ۶ | ۱-۱-۱-معنای لغوی حق |
| ۶ | ۱-۱-۲-معنای اصطلاحی حق |
| ۹ | ۱-۲-مفهوم نسل |
| ۱۱ | ۱-۳-اموال عمومی |
| ۱۱ | ۱-۳-۱-مفهوم اموال عمومی و اموال دولتی |
| ۱۲ | ۱-۳-۲-ضابطه تشخیص اموال و مشترکات عمومی |
| ۱۳ | ۱-۳-۳-ویژگی های اموال و مشترکات عمومی |
| ۱۳ | ۱-۳-۴-تمایز بین اموال و مشترکات عمومی با اموال دولتی |
| ۱۶ | ۱-۳-۵-مصادیق اموال عمومی |
| ۱۶ | ۱-۳-۵-۱-انفال |
| ۲۱ | ۱-۳-۵-۲-راه عمومی |

- ۳-۵-۳-۱- اموال مورد استفاده عموم..... ۲۱
- ۳-۵-۴-۱- اموال اختصاص یافته به خدمت عمومی..... ۲۲
- ۳-۵-۵-۱- بستر رودخانه‌ها و جنگل‌ها..... ۲۲
- ۴-۱- فساد و افساد..... ۲۳
- ۵-۱- صلاح و اصلاح..... ۲۴
- ۶-۱- ضرر و ضرار..... ۲۶
- ۱-۶-۱- مفهوم ضرار..... ۲۶
- ۲-۶-۱- مفهوم لغوی ضرر..... ۲۷
- ۳-۶-۱- مفهوم فقهی ضرر..... ۲۷
- ۴-۶-۱- مفهوم حقوقی ضرر..... ۲۸
- ۷-۱- مواهب طبیعی..... ۲۹
- فصل دوم:..... ۳۱
- قواعد عام حمایت کننده از حقوق آیندگان بر اموال عمومی..... ۳۱
- ۱-۲- قاعده لاضرر..... ۳۲
- ۱-۱-۲- اقسام ضرر به اعتبار جنس و ماهیت..... ۳۲
- ۱-۱-۱-۲- ضرر مادی..... ۳۲
- ۱-۱-۱-۱-۲- ضرر به عین..... ۳۳
- ۱-۱-۱-۲- ضرر به منفعت..... ۳۳
- ۲-۱-۱-۲- ضرر معنوی..... ۳۵
- ۲-۱-۲- مبانی قاعده لاضرر..... ۳۷
- ۱-۲-۱-۲- کتاب..... ۳۸
- ۲-۲-۱-۲- روایات..... ۳۸
- ۳-۲-۱-۲- بنای عقلاء..... ۳۹

- ۲-۱-۲-۴- اجماع..... ۴۰
- ۲-۱-۳- جایگاه لاضرر در رعایت حقوق نسل آینده..... ۴۰
- ۲-۱-۳-۱- منع اضرار به دیگری..... ۴۰
- ۲-۱-۳-۲- منع اضرار به خود..... ۴۲
- ۲-۱-۳-۳- جایگاه لاضرر به عنوان ضابطه فعل رفتاری حکومت و حاکم..... ۴۳
- ۲-۱-۴- حکم قاعده لاضرر در خصوص حقوق آیندگان نسبت به اموال عمومی..... ۴۳
- ۲-۲- قاعده لاجرح..... ۴۸
- ۲-۳- قاعده انصاف..... ۵۰
- ۲-۱-۳-۱- قرآن..... ۵۲
- ۲-۱-۳-۲- اخبار و روایات..... ۵۳
- ۲-۱-۳-۳- سیره عقلاء..... ۵۴
- ۲-۱-۳-۴- دلیل عقلی..... ۵۴
- ۲-۳-۲- قواعد عملی قاعده انصاف..... ۵۵
- ۲-۱-۲-۳-۲- قواعد عام..... ۵۵
- ۲-۱-۲-۳-۲- تشریح مالکیت دولتی و عمومی..... ۵۵
- ۲-۱-۲-۳-۲- سازوکار توزیع اولیه اموال عمومی و منابع طبیعی..... ۵۶
- ۲-۱-۲-۳-۲- سازوکار توزیع مجدد ثروت و درآمد..... ۵۶
- ۲-۱-۲-۳-۲- اصل حاکمیت دولت..... ۵۷
- ۲-۲-۳-۲- قواعد خاص..... ۵۷
- ۲-۱-۲-۳-۲- وقف..... ۵۷
- ۲-۲-۲-۳-۲- وصیت..... ۵۹
- ۲-۴- قاعده اتلاف..... ۶۱
- ۲-۴-۱- مبانی قاعده اتلاف..... ۶۲

- ۶۳.....۲-۴-۱-۱-قرآن
- ۶۴.....۲-۴-۱-۲-روایات
- ۶۵.....۲-۴-۱-۳-عقل
- ۶۵.....۲-۴-۱-۴-اجماع
- ۶۵.....۲-۴-۲-قاعده ائتلاف حقوق آیندگان
- ۷۰.....۲-۵-قاعده احسان
- ۷۲.....۲-۶-قاعده دفع افسد به فاسد
- ۷۲.....۲-۶-۱-مبانی قاعده دفع افسد به فاسد
- ۷۲.....۲-۶-۱-۱-قرآن
- ۷۴.....۲-۶-۱-۲-روایات
- ۷۵.....۲-۶-۱-۳-اجماع
- ۷۶.....۲-۶-۱-۴-عقل
- ۷۶.....۲-۶-۱-۵-سیره عقلا
- ۷۷.....۲-۶-۲-حکم قاعده دفع افسد به فاسد در خصوص حقوق آیندگان
- ۷۸.....۲-۷-قاعده ضرورت
- ۸۰.....فصل سوم
- ۸۰.....قواعد خاص حمایت کننده از حقوق آیندگان بر اموال عمومی
- ۸۱.....۳-۱-قاعده حرمت تصرف در اموال غیر(ضمان ید)
- ۸۱.....۳-۱-۱-مستندات قاعده علی الید
- ۸۸.....۳-۱-۲-جواز تصرف در اموال عمومی با رعایت حقوق آیندگان
- ۹۰.....۳-۱-۲-۱-احتیاج و نیاز
- ۹۲.....۳-۱-۲-۲-بهره وری و توان تولید
- ۹۳.....۳-۱-۲-۳-رعایت مسائل زیست محیطی

- ۳-۱-۲-۴-عدالت.....۹۵
- ۳-۱-۲-۵-اخذ مجوز برای تصرف در اموال عمومی.....۹۷
- ۳-۱-۲-۶-پرداخت هزینه در تصرف اموال عمومی.....۹۸
- ۳-۱-۲-۷-موقت بودن تصرف در اموال عمومی.....۹۸
- ۳-۲-قاعده احترام مال المسلم و عمله.....۹۹
- ۳-۲-۱-دلایل قاعده احترام.....۹۹
- ۳-۲-۱-آیات.....۹۹
- ۳-۲-۱-۲-روایات.....۱۰۱
- ۳-۲-۱-۳-بناء عقلاء.....۱۰۲
- ۳-۲-۱-۴-سیره متشرعه.....۱۰۳
- ۳-۲-۱-۵-تسالم اصحاب.....۱۰۳
- ۳-۲-۲-قاعده احترام در اموال عمومی نسبت به حقوق آیندگان.....۱۰۴
- ۳-۳-قاعده میسور.....۱۰۶
- ۳-۱-۳-دلایل قاعده میسور.....۱۰۶
- ۳-۱-۱-روایات.....۱۰۷
- ۳-۱-۲-بنای عقلاء.....۱۰۸
- ۳-۱-۳-استصحاب.....۱۰۸
- ۳-۲-۳-قاعده میسور در حقوق آیندگان در خصوص اموال عمومی.....۱۰۸
- ۳-۴-اصول وارده در تملک اموال عمومی.....۱۱۰
- ۳-۴-۱-اصل عدم تملک خصوصی.....۱۱۰
- ۳-۴-۲-اصل قابل واگذاری نبودن اموال عمومی.....۱۱۱
- ۳-۴-۳-اصل غیرقابل توقیف بودن.....۱۱۲
- ۳-۴-۴-اصل ممنوعیت ایجاد حقوق ارتفاقی بر اموال عمومی.....۱۱۲

نتیجه گیری..... ۱۱۳

پیشنهادها..... ۱۱۵

منابع..... ۱۱۷

از بررسی آیات و روایات، این گونه به دست می‌آید که بهره‌مندی از اموال عمومی، حق مسلم همه ابناى بشر است. لذا به مقتضای عدالت که اعطای «حق بی‌ذی‌حق» است، عدالت ایجاب می‌کند که حق بهره‌مندی بشر نسبت به این اموال، از سوی همگان شناخته شود. در نگاه اسلام، همان طور که افراد گوناگون در یک نسل هیچ ترجیحی بر یکدیگر ندارند و توزیع ثروت و استفاده از اموال عمومی براساس عدالت مورد امضای شارع قرار گرفته است. همچنین افراد نسل های گوناگون نیز در این مسأله از فرصت های یکسان برخوردارند و سبقت و یا تأخر نسلی بر نسل دیگر سبب بهره‌مندی بیشتر و یا محرومیت آن نخواهد شد. در اسلام، هرچند مطابق قاعده تسلیط، مردم را بر اموال خود مسلط می‌دانند و حق هرگونه تصرفی در آن را دارند اما این تصرفات مطلق نیست و اینجاست که عده‌ای معتقدند قاعده لا ضرر و تسلیط با هم تعارض پیدا می‌کنند که در نهایت، قاعده لا ضرر حاکم می‌شود. صرف نظر از نظریات موافق و مخالف تعارض دو قاعده تسلیط و لا ضرر، قانونگذار ایران از قاعده لا ضرر در تصویب قوانین خاص تملک، تأثیر پذیرفته است که در نهایت برای رفع ضرر از عموم، حقوق خصوصی را محدود کرده است. و نسل امروزی حق ندارند از اموال عمومی استفاده نامتعارف نمایند که حقوق آیندگان در خطر افتد.

خداوند متعال با تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای اموال عمومی و منابع طبیعی و موظف کردن دولت بر نظارت پیاپی بر استفاده بهینه و عادلانه از آنها، راه‌های سوءاستفاده صاحبان قدرت و نفوذ را مسدود کرده است و از این که ثروت‌ها در انحصار گروه‌های خاصی درآید جلوگیری کرده است، مشاهده می‌کنیم که بخش قابل توجهی از اموال عمومی تحت عنوان انفال در مالکیت حاکم قرار دارد و بخش دیگر نیز مانند مباحات عامه، گرچه در مالکیت کسی نیست و عموم مردم می‌توانند از آنها استفاده کنند. با وجود این، این بخش نیز جزء بخش عمومی شمرده شده و حکومت بر چگونگی بهره‌برداری از آنها نظارت دارد. خداوند متعال، هدف از این که چنین اموالی را در اختیار دولت قرار داده است پدیدآوردن عدالت بین مردم و جلوگیری از این که این دارایی‌ها در انحصار گروهی از مردم درآید، بیان کرده است. «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ آنچه را که خدا از اموال کافران ديار به رسول خود غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و (ائمه) خویشاوندان رسول و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان (ایشان) است. این حکم برای آن است که غنایم، دولت توانگران را نیفزاید (بلکه به مبلغان دین و فقیران اسلام تخصیص یابد) و شما آنچه رسول حق دستور

دهد (و منع یا عطا کند) بگیریید و هرچه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است» (حشر/۷). این اموال متعلق به همه نسل‌ها است و مراد از مالکیت دولت هم شخصیت حقوقی آن است و به همین علت نسل‌های بعد هم همانند تمام مردم نسل فعلی مورد توجه شریعت بوده و در این هدف شریکند.

الف) بیان مسأله

حقوق آیندگان در واقع حقوقی است که به موجب آن منافع یک نسل اعم از طبیعی و فرهنگی که از نسل قبل به ارث رسیده است، به نسل آینده انتقال می‌یابد، که به موجب آن حفاظت از منابع طبیعی و حمایت از دانش بشر و فرهنگ و هنر به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود و مستلزم اجتناب از فعالیت‌های زیان‌آور و غیرقابل جبران آن است.

در منابع فقهی نسل بشر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از این رو ضرورت بقای زمینه برای حیات او اصل بنیادینی است که بهره‌برداری اصولی و منطقی از منابع حیاتی را ایجاب می‌کند. با توجه به ادله‌ی شرعی ناظر بر تحریم فساد در زمین و لزوم اصلاح در آن به این دلیل که مفسده و مصلحت معیار وضع برخی از احکام قرار گرفته است؛ و همچنین یکسان بودن تمام انسان‌ها در بهره‌مندی از مواهب طبیعی به دلیل عمومی بودن آنها و ضرورت وجود و بهره‌مندی از اموال عمومی جهت امکان زیستن افراد جامعه و جایز نبودن ضرر و ضرار بر اموال عمومی و ممنوعیت هرگونه فعل یا ترک فعلی که به موجب آن به اموال عمومی آسیب وارد شود طبق قاعده لاضرر؛ می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد توازن محیطی از جمله مقررات عامی است که دین اسلام برای حمایت از حقوق آیندگان به آنها توجه کرده است.

حقی بر انسان با عنوان حق الناس مطرح است و با این تعابیر حق الناسی نسبت به آیندگان به عهده‌ی نسل کنونی است که نمی‌توان حقوق نسل‌های آینده را از نعمات الهی نادیده گرفت.

دین اسلام بهره‌بردن از امکانات موجود را جایز می‌داند اما در عین حال حدود و ثغوری برای این بهره‌مندی تعریف کرده است تا حقوق نسل‌های آینده بشریت با بهره‌مندی بی‌رویه نسل کنونی به خطر نیفتد. مذاهب اسلامی دارای آراء و نظرات متفاوتی هستند. اما در موضوع حقوق آیندگان اتفاق نظر دارند و معتقدند باید از منابع موجود استفاده کنیم و در کنار آن حقوق آیندگان را نیز در نظر بگیریم.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا قواعد فقهی مرتبط با حقوق آیندگان بررسی شود و بیان شود که فقه مذاهب نسبت به این موضوع چه نظراتی دارند و میزان تسلط نسل کنونی بر منابع موجود را در چه حد می‌دانند و آیا آیندگان نیز نسبت به منابع عمومی موجود ذی حق به شمار می‌روند.

(ب) اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت حیات انسانی و حفظ منابع طبیعی و ضرورت تنظیم تصرفات در اموال عمومی جهت حفظ و پایداری آنها و تبیین حدود تصرفات از منظر شرع از موارد اهمیت و ضرورت این تحقیق است.

(ج) پیشینه تحقیق

در بررسی‌هایی که انجام گرفته است، از طریق جست و جو در پایگاه‌های اینترنتی از جمله ایران داک و پایگاه مجلات تخصصی نور در رابطه با حقوق آیندگان مقالات فقهی گسترده‌ای ارائه نشده است و اکثر مقالاتی که به این موضوع توجه داشته‌اند به امور حقوقی محیط زیست پرداخته‌اند، اما در این تحقیق تلاش می‌شود تا به شکل مقارن و بررسی قواعد فقهی ناظر به موضوع پرداخته شود.

بررسی فقهی حقوقی حفظ حقوق نسل‌های آینده. سید محمد حسینیان. دانشگاه آزاد. ۱۳۹۴.

حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط زیست. مهنوش امامی امین. دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۳۹۵.

جایگاه حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل. مقداد حسین. دانشگاه قم. ۱۳۹۶.

شناسایی اقسام و مصادیق عمومی در حقوق ایران. مسعود معصومی. دانشگاه علوم قضایی. ۱۳۹۴.

(د) سوالات تحقیق

سوال اصلی: قواعد فقهی ناظر بر حقوق آیندگان کدامند؟

سوال فرعی: حدود و ثغور تسلط مجاز انسان بر منابع موجود به چه میزان است؟

(ه) فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی:

قاعده لاضرر، قاعده لاجرح، قاعده اشتراک، قاعده انصاف و... از جمله قواعد ناظر بر حقوق آیندگان هستند.

فرضیه فرعی:

بهره بردن از امکانات هستی جایز است اما در عین حال اختیار انسان در تصرف بر این منابع بی‌قید و شرط نیست بلکه باید در جهت اغراض عالی بشریت که یکی از این اغراض «پایداری نسل بشر» است مورد استفاده قرار گیرد.

(و) روش تحقیق

روش به کار رفته در این پژوهش روش تحلیلی_توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از کتب فقه و حقوق عمومی است.

(ز) سازماندهی تحقیق

این پژوهش در سه فصل نگارش شده است، فصل اول شامل تعاریف مفاهیم و کلیات است که در بحث‌های مجزا به تعاریف مفاهیمی از قبیل حق، ضرر و اموال عمومی پرداخته شده است و همچنین کلیاتی در خصوص موضوع پژوهش ارائه شده است. در فصل دوم قواعد عام فقهی در خصوص حقوق آیندگان نسبت به اموال عمومی بحث شده است. در فصل سوم قواعد خاص فقهی در خصوص حقوق آیندگان نسبت به اموال عمومی آورده شده است و در پایان جمع‌بندی مطالب و پیشنهاداتی در خصوص موضوع پژوهش و همچنین منابع و مآخذ ارائه گردیده است.

فصل اول

کلیات و تبیین مفاهیم

اموال عمومی ثروت ملی یک کشور محسوب میشود و به تمامی نسل‌ها تعلق دارد. ارزش اقتصادی این اموال در درجه‌ی نخست سبب‌ساز حمایت و نگهداری ویژه از این اموال است. برای جلوگیری از دست‌اندازی‌های اشخاص خصوصی به اموال عمومی و جلوگیری از تعدیات دولت و اشخاص عمومی نسبت به این اموال، راهکارهای متعددی مانند استفاده از فناوری‌های نوین، تقویت نهادهای نظارتی و... مطرح است. اما از مهمترین شیوه‌ها در این زمینه، ارائه‌ی راهکارهای حقوقی به عنوان روشی برای حل ریشه‌ای معضلات است. برای درک بیشتر مطلب ابتدا لازم است مفاهیم موضوع مورد بحث قرار گیرد. در فصل اول پژوهش به بررسی تعاریف و مفاهیم موضوع خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱- حق

در مبحث اول به بررسی مفاهیم حق و اقسام حق خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱-۱- معنای لغوی حق

«حق» در لغت به معنای «ثابت که انکار آن روا نباشد» و «آنچه ادای آن واجب باشد، حال واقع، حکم مطابق با واقع» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۸۲۸).

از منظری دیگر حق را به معنای وجود مطلق و غیرمقیدی که به هیچ قیدی تقیید نشده باشد، یعنی ذات اقدس باری تعالی دانسته‌اند (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۶۸۳) و یا آن را به معنای حکم مطابق با واقع دانسته‌اند که بر اقوال و عقاید و مذاهب و ادیان اطلاق می‌شود.

۱-۱-۲- معنای اصطلاحی حق

نویسندگان و مؤلفان آثار فقهی معاصر اهل سنت تصریح نموده‌اند که در فقه عامه، فقها کمتر در مقام تعریف حق برآمده‌اند و در متون متقدمان نیز تعریفی ملاحظه نمی‌گردد تا جایی که مؤلف المدخل للفقہ الاسلامی اشاره می‌کند که در فقه اهل سنت تعریفی از حق نشده است (مدکور، ۱۹۹۶، ص ۴۱۹). اما در بین متأخران بعضاً به تعریف حق اشاره شده که این هم بسیار معدود است؛ از جمله آورد هاند که لکنوی در حاشیه اش به نام قمر الاقمار که بر نور الانوار در شرح المناردر علم اصول فقه است، حق را چنین تعریف کرده است: «الحق هو الحكم الثابت شرعاً» (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۸۳؛ زرقاء، ج ۳، ص ۲۲).

حق در فقه عامه نیز مانند فقه امامیه دارای دو معنای عام و خاص می‌باشد، اما در بیان این دو معنا بین آنان اختلاف نظر وجود دارد که در اینجا به دو تقسیم بندی اشاره می‌کنیم:

۱- حق در معنای اعم بر عین، ملک و منافع اطلاق می‌گردد و در معنای خاص آن در مقابل اعیان و منافع استعمال می‌گردد. حق در این معنای خاص عبارت از منافع اعتباری شرعی است که وجودی جز اعتبار و فرض آن ندارد (شلبی، ۱۴۰۵، ص ۳۳۱).

در واقع، پیش فرض این تفکیک بین معنای اعم و اخص، مطلبی است مبنی بر اینکه اشیاء در فقه اسلامی بر سه قسم اعیان، منافع و حقوق می‌باشند. بنابراین حق در معنای اعم شامل دو قسم دیگر و در معنای اخص در مقابل آن دو قرار می‌گیرد.

در ارزیابی این نظر باید گفت که هرچند این نظر تا حد زیادی شبیه نظر محقق نائینی است، یک تفاوت مهم با آن دارد و آن در نظر نگرفتن حکم در معنای اعم حق است.

بحث مهم دیگر درباره حق، تفاوت آن با اصطلاح حکم است. به نظر برخی فقها، چون حق نوعی سلطنت و ملکیت است، مهم‌ترین تمایز حق و حکم، اسقاط‌پذیر بودن حق از سوی صاحب آن و اسقاط‌ناپذیر بودن حکم است. بر این اساس، تراضی اشخاص، در سقوط احکامی مانند ربا و غرر تأثیری در آن احکام ندارد. به نظر برخی دیگر، مراد از حکم شرعی، درخواست انجام دادن یا ندادن کاری از مکلف یا ترتیب اثر دادن به چیزی در شرع است؛ اما حق، نوعی مالکیت و سلطنت کسی بر چیزی است که از جانب شارع اعتبار شده است. مثلاً خیار در عقود لازم را شارع تشریع کرده و حکم است، ولی نتیجه این حکم، یعنی توانایی شخص بر فسخ یا امضای عقد، نوعی حق است (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱).

همچنین جواز فسخ عقد لازم (خیار) نوعی حق برای صاحب خیار است، ولی جواز در عقد جایز (مانند عقد هبه)، که به کار مکلف تعلق گرفته، گونه‌ای حکم شرعی است. از این رو، برخلاف حکم، حق را می‌توان به شکل اضافه ملکی، به صاحب حق (مستحق) نسبت داد (همان منبع، ص ۱۲۲).

۲- مصطفی زرقاء در بحث معنای کلمه حقوق دو معنا را ذکر می‌کند که حاکی از دقت و صحت معانی ذکر شده دارد. وی می‌نویسد: حقوق دارای دو معنای اصلی است: ۱- حقوق به معنای مجموعه قواعد و نصوص قانونی که به طور الزامی روابط مردم را از حیث اشخاص و اموال تنظیم می‌کند. ۲- حقوق جمع حق و به معنای سلطه و قدرت مشروع یا به معنای مطلبی است که برای شخص بر دیگران واجب است و این معنا مقصود است زمانی که می‌گوییم صاحب مال مغضوب حق استرداد مال خود را در صورت باقی بودن دارد و حق گرفتن قیمت یا مثل در صورت تلف آن، و یا مشتری حق بازگرداندن مبیع را در صورت معیوب بودن دارد و این که تصرف بر صغیر حق ولی یا وصی است و مانند آن، و حق به این مفهوم دوم غالباً موضوع بررسی است (زرقاء، ۱۴۲۰، ص ۱۰۷).